

بهشت اند بشارت داده است آورده اند که زنی پیش بعضی از اصحاب
رسول صلی الله علیه و آله آمد و از سعید بن زید رضی الله عنه شکایت
کرد که زمین مرا گرفته است و در آنجا بنایی ساخته و مرا بکوی که زین
مرا بزم کند دارد و اگر نه از دست وی در مسجد رسول صلی الله علیه و آله
فریاد خواهم کرد آن صحابی آن سخن را به سعید رضی الله عنه گفت
رضی الله عنه فرمود که سخت رسول الله صلی الله علیه و آله میگوید
من أخذت من الأرض بغير حق معلوم الله لرب العالمین من سبق رضی
کون زن یا آنچه می گوید که حق ویت از آن زمین بگیر بعد
از آن گفت اللهم ان كانت لك بنت علي فلا تيتها حتى تفر بها
و ترحل ميثمها فما ان ضرها بان زن رساندند آمد و بنای سعید را
رضی الله عنه خراب کرد و برای خود عمارتی آغاز کرد چندان بر نیاید
که کور شد چون شب بر خاستی کینه خود را بدار ساختی تا دست
وی گرفتی و هر جا خواستی بروی یک شب کینه را بدار ساخت
و تنها بیرون آمد در جاه افتاد با سواد و برادر جاه یافتند در ده
عباد بن بشر و اسید بن حضیر رضی الله تعالی عنهما
اس رضی الله عنه گفته است که عباد بن بشر انصاری و اسید بن حضیر
انصاری پیش رسول بودند صلی الله علیه و آله و سلم در شبی سخت تاریک
چون هر دو بیرون آمدند عسای یکی از ایشان روشن شد چنانکه در
روشنی آن می رفتند چون راه از یکدیگر جدا شد عسای آن یکی نیز

حقه

روشن

روشن شد و هر یک در روشنایی عسای خود بر رفتند
عمار بن یاسر رضی الله تعالی عنه
امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفته است که در سفری بودیم رسول
صلی الله علیه و آله و سلم عمار بن یاسر را با آب فوشار شیطان در صورت بند
سیاه میان وی و آب حامل شد عمار ویرا گرفت و بر زمین زد گفت
مرا بگذار تا من نیز ترا بگذارم آب برداری ویرا بگذاشت دیگر بار
پیش آب حامل شد عمار باز ویرا بر زمین زد باز گفت مرا بگذار تا من
نیز ترا بگذارم عمار ویرا بگذاشت دیگر بار پیش آب حامل شد باز
عمار ویرا بر زمین زد باز گفت مرا بگذار تا ترا بگذارم ویرا بگذاشت
و وی نیز بوعده وفا کرد و عمار آب گرفت هنوز عمار نمانده بود که
رسول صلی الله علیه و آله فرمود که شیطان در صورت بند سیاه میان
عمار و آب حامل شد و عسای عمار را طعم داد امیر المؤمنین علی
رضی الله عنه گوید که عمار را گفتم که رسول صلی الله علیه و آله و سلم چنین و
چنین گفت و الله اگر من می دانستم که وی شیطان است ویرا
می گشتم و لیکن تصد کردم که یعنی ویرا بدم آن بگرم اما از بیخوی
بوی نا خوشی آمد **العلاء بن الحضری رضی الله عنه**
وی از آنها جز این است و عمار رسول بود صلی الله علیه و آله و سلم هرگز
ابو هرزه رضی الله عنه گفته است که از علاء بن الحضری رضی الله عنه
سه چیز شنیده ام که از هیچ کس نشنیده ام که در تمام پیش از وی